گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است.
انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

حبس زدایی

با حکم قاضی دشتستانی

متهم به شکار غیرمجاز ملزم به تهیه تصویر ۵۰ گونه پرنده شد

قاضی دشتستانی یک متهم را به تهیه آلبومی از تصویر ۵۰ گونه پرنده محکوم کرد.

با هدف استفاده از مجازات جایگزین حبس، یک متهم که به صید غیرمجاز پرنده‌های وحشی اقدام کرده بود از سوی قاضی دادگاه عمومی بخش سعدآباد از توابع دشتستان بوشهر مکلف شد ظرف شش ماه از تاریخ قطعیت رأی، تصویر ۵۰ گونه پرنده را به دلخواه و به ابعاد حداقل ۱۰ در ۱۵ سانتیمتر تهیه کند.

علی جمادی،رئیس کل دادگستری استان بوشهر با اعلام این خبر و با اشاره به اینکه مجازات جایگزین حبس یک نوع پیشگیری از وقوع جرم است، اظهار کرد: این متهم موظف است آلبوم را به اداره محیط زیست دشتستان تحویل دهد و رسید آن را به اجرای احکام کیفری ارائه کند.

وی ادامه داد: تلاش‌های خوبی در این راستا صورت گرفته و سعی شده است دیدگاه قضات در رابطه با مجازات جایگزین حبس تغییر یابد.

رئیس کل دادگستری بوشهر به «میزان» گفت: کارگروهی در استان بوشهر تشکیل شده است و با نظارت یکی از قضات عالی استان در تلاش هستیم قضات در صدور آرا از مجازات جایگزین حبس استفاده کنند.

این مقام قضایی در ادامه افزود: در راستای مجازات جایگزین حبس یک قاضی از دادگاه عمومی بخش سعدآباد از توابع دشتستان یک متهم را که به صید غیرمجاز پرنده‌های وحشی محکوم شده بود مکلف کرد ظرف شش ماه از تاریخ قطعیت رأی، تصویر ۵۰ گونه پرنده را به دلخواه و به ابعاد حداقل ۱۰ در ۱۵ سانتیمتر تهیه کند.

گفتنی است، ابلاغیه ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی در مورد مجازات جایگزین حبس مشمول مجازات‌های سبک و در مورد جرائم غیرعمد نیز اگر حکم بیش از دو سال باشد قاضی بر اساس اختیار می‌تواند از جایگزین برای حبس استفاده کند.

حقوق شهروندی

با قانون، راحت‌تر کار کنید!

ایجاد رابطه حقوقی بین کارگر و کارفرما، مستلزم توافق دو اراده است که بر مبنای شرایطی خاص و ناشی از حکم قانون پدید می‌آید و به موجب آن، حقوق و تکالیفی برای طرفین منظور می‌شود. آشنایی با این قوانین از سوی طرفین قرارداد ضمن اینکه مانع اجحاف در حق کارگران و ایضاً کارفرمایان می‌شود، می‌تواند از حجم پرونده‌ها در محاکم قضایی و شبه‌قضایی بکاهد.

همانطور که از نام قرارداد کار به ذهن متبادر می‌شود، یک طرف این قرارداد کارگر و دیگری کارفرماست. از دیدگاه قانون کار، کارگر چه کسی است؟ کارگر طبق قوانین شخصی حقیقی است که کارش جنبه تبرعی و مجانی ندارد، یعنی در قبال کار، مزد دریافت می‌کند، حال این مزد می‌تواند روزانه، ماهانه یا هفتگی باشد.

طبق قانون کار، قرارداد کار هم تعریف شده است. با توجه به تعریف قانونی قرارداد کار، پس این قرارداد «معین» محسوب می‌شود؛ قرارداد معین است یعنی شرایط و چارچوب آن در قانون تعریف شده است و بر خلاف برخی شرایط آن نمی‌شود توافق کرد؛ ازجمله اینکه تغییرات بعدی در قرارداد کار در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور نکند.

با توجه به مواد قانونی، در حال حاضر سه نوع قرارداد کار وجود دارد:
۱- قرارداد کار با مدت موقت ۲- قرارداد کار با مدت غیرموقت ۳- قرارداد کار برای انجام کار معین.

مندرجات و نحوه تنظیم قرارداد کار به شرح زیر است:
اول اینکه باید دقت کرد قرارداد کار جزو عقود رضایی است، یعنی تشریفات خاصی برای انعقاد آن لازم نیست، حتی لازم نیست که قرارداد کتبی باشد. پس قرارداد کار اعم است از کتبی و شفاهی.

همچنین برابر قانون کار، مندرجات قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی نکات زیر باشد:
الف) نوع کار یا حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد.
ب) حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن ج) ساعات کار، تعطیلات و مرخصی‌ها د) محل انجام کار ه) تاریخ انعقاد قرارداد و) مدت قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد.ر) موارد دیگری که عرف و عادت شغل یا محل، ایجاب نماید.ح) شرایط و نحوه فسخ قرارداد کار.

فسخ قرارداد کار بدین معنی است که کارگر و کارفرما می‌توانند در تمامی انواع قراردادهای کار، شرایط خاصی را مثل عدم رضایت کارفرما از عملکرد کارگر و... مقرر کنند که در صورت حصول آن شرایط قرارداد کار خاتمه پیدا می‌کند. آنچه در خصوص پیش‌بینی حق فسخ در قرارداد کار باید دقت شود، نحوه فسخ قرارداد و اعلام اراده فسخ‌کننده به طرف مقابل است چون از تاریخ ابلاغ اراده مبنی بر فسخ، آثار حقوقی فسخ جاری خواهد شد.

■ انواع قراردادهای کار

قرارداد کار با مدت موقت: در این قراردادها، خاتمه قرارداد در آن ذکر می‌شود و با پایان زمان آن قرارداد خاتمه می‌یابد. در صورتی که قرارداد موقت به موقع تمدید و تعیین تکلیف نشود و کارگر همچنان به کار خویش ادامه دهد، کارگر می‌تواند ادعا کند که شفاهاً قرارداد تمدید شده است. باید بدانیم در این قراردادها تمدید یا تجدید قرارداد سبب دائمی شدن قرارداد نمی‌شود.

قرارداد کار با مدت غیرموقت: براساس بندی از قانون کار، در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، چنانچه مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود، بنابراین کارگری که در یک کارخانه فرش‌بافی مشغول به کار می‌شود چنانچه انجام کار مقید به مدت خاصی نباشد و مقرر گردد روزانه مبلغ مشخصی مزد دریافت کند، قانون کار چنین کارگری را کارگر دائم آن کارگاه خواهد شناخت.

قرارداد کار معین: در قرارداد کار معین، همانطور که از نام آن پیداست برای انجام کار معینی قرارداد کار منعقد شده است. برای مثال کارگرانی برای حفر کانال لوله‌کشی آب یا گاز برای منطقه مشخص شهری به کار گرفته شده‌اند، با اتمام عملیات لوله‌گذاری کار آنها خاتمه‌یافته تلقی خواهد شد. نکته‌ای که باید به آن دقت کنیم این است که در انجام کار معین هم، کارگر با ابزار و لوازم متعلق به کارفرما و بنا به دستور او کار را انجام می‌دهد و از این جهت با پیمانکار متفاوت است، چراکه پیمانکار خودش ابزار و وسایل کار را فراهم می‌کند و به نوعی کارفرما محسوب می‌شود.

به طور کلی خاتمه قرارداد کار می‌تواند به سبب یکی از عوامل زیر باشد:
۱- پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است.
۲- پایان مدت قراردادهای موقت کار و عدم تجدید آن.
۳- حوادث غیر قابل پیش بینی؛ مثلاً بر اثر حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی مثل آتش‌سوزی که کارگاه به کلی نابود شده و امکان ترمیم آن وجود نداشته باشد. در اینجا قرارداد خاتمه‌یافته محسوب می‌شود و کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری قرار می‌گیرند.
۴- فوت کارگر ۵- بازنشستگی کارگر ۶- از کار افتادگی کلی ۷- استعفای کارگر ۸- اخراج کارگر وفق قرارداد منعقده ۹- فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد پیش‌بینی شده است. ۱۰- تعدیل نیروی انسانی «مطابق مندرجات توافق یا سیاست‌های قانونی نهاد کارفرما».

کارشناسان در گفت‌وگو با «جوان» از راهکارهای کاهش اطاله دادرسی و بهبود امر قضایی می‌گویند

درمان دادرسی‌ها بهداشت قضایی و قانون خوب می‌خواهد

گزارش یک

نفیسه ابراهیم‌زاده انتظام

کمتر خانواده‌ای در کشورمان وجود دارد که به نوعی با دستگاه قضا در ارتباط نباشد و گذرش به دادگاه نیفتاده باشد. همین مسئله چالش‌های زیادی را برای قوه قضائیه رقم زده است. یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها اطاله دادرسی و دادگاه‌های همواره پر است، اما اصلاح این اشکال مستلزم بررسی همه‌جانبه مسئله و پذیرفتن نقایص مترتب به هر مرجع است. به بیان دیگر برخورد تعارفی و در نظر گرفتن ملاحظات بی‌مورد و متهم کردن نظرات پاک کردن صورت مسئله است و پابرجا بودن مشکلات را در پی خواهد داشت.

در مطالعه علت مشکلات قوه قضائیه تاکنون چند مسئله مطرح شده است. یکی از آنها حجم بالای پرونده‌های ورودی به دادگاه‌هاست که ناشی از کم‌کاری و اهمال سایر دستگاه‌هاست. مسئله دیگر کمبود نیرو به ویژه نیروی متخصص و آموزش نیروهاست که خود نیازمند صرف وقت و هزینه است. مورد دیگری که تا حدودی در محافل کارشناسی مطرح و بررسی شده نقصان قانون و عدم تطابق قوانین موجود با واقعیات فرآیند دادرسی است، اما نکته دیگری هم وجود دارد که به نوعی علت و معلول بسیاری از علت‌های دیگر است و آن اعتماد نداشتن قانونگذار و مجری به هم در حوزه قضایی است که ناشی از عدم شناخت دو طرف از نیازهای واقعی است. مراجعه به مراکز قضایی کشور و صحبت با قضات و بازپرسان نشان می‌دهد بسیاری از آنها از ضعف‌های قانون مستأصلند و در مورد باسابقه‌ترها اداره شدن توسط افراد بی‌تجربه و ناآشنا به فرآیند رسیدگی قضایی عذاب آورتر است. به بیان دیگر بخشی از مدیران ارشد قوه قضائیه و اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس افرادی هستند که حتی یک روز هم تجربه کار حقوقی و قضایی به شکل جاری ندارند. آنها قانون را برای کاری می‌نویسند که با آن بیگانه‌اند و در بهترین حالت فقط در دانشگاه درسش را خوانده‌اند.

قضات و مدیران پایین دستی قوه هم مجری قانونی هستند که برای کار آنها مصداقی نوشته نشده و در عین حال برای اجرای همین قانون باید به مدیرانی پاسخگو باشند که تجربه قضاوت نداشته‌اند. مدیران اجرایی می‌گویند قانون کامل نیست. قانونگذاران می‌گویند قوانین اجرا نمی‌شود و فقط مردم هزینه و تاوان وضع موجود را می‌دهند. چه بسیار افرادی که بعد از سال‌ها رفت‌وآمد در دادگاه‌ها عمرشان قد نداده که سرنوشت پرونده‌شان را ببینند.

■ بهداشت قضایی رعایت نمی‌شود

ابوالفضل ابوترابی،عضو کمیسیون قضایی مجلس اما تمام مشکلات قوه قضائیه را ناشی از کم کاری سایر دستگاه‌ها و تحمیلی به این قوه می‌داند و کمیسیون قضایی مجلس را تخصصی‌ترین کمیسیون برمی‌شمرد. وی به «جوان» می‌گوید: برابری پرونده‌های قضایی در کشور ما با کشوری مثل هند که یک میلیارد نفر جمعیت دارد زیبنده نظام جمهوری اسلامی نیست. هر چقدر قوانین را بهینه، قاضی و کارمند استخدام کنیم و ساختمان بسازیم با این حجم ورودی پرونده باز با کمبود مواجه می‌شویم. باید قوانین به گونه‌ای تنظیم شوند که پرونده‌ها به دادگستری نیایند.

بر این اساس وی لزوم توجه به بهداشت قضایی را مطرح می‌کند که بر پایه‌های قضازدایی، استفاده از ظرفیت‌های وکلا و اصلاح قوانین استوار است و خاطرنشان می‌کند: به عنوان نمونه اصلاح قانون چک که سه‌شنبه آینده در دستور کار کمیسیون قضایی قرار دارد، می‌تواند دست‌کم ۲۰ درصد از حجم پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه را کاهش دهد. انبوهی از پرونده‌های ورودی به دستگاه قضا مستقیم و غیرمستقیم به چک مربوط هستند به طوری که سال قبل فقط ۱۷ میلیون چک برگشتی داشتیم.

ابوترابی می‌افزاید: برای این پرونده‌ها به جای دادگستری می‌توان در اجرای احکام پرونده تشکیل داد. همچنین مطالعات ما نشان می‌دهد حدود ۱۰ درصد از پرونده‌ها هم با استفاده از نقش میانجیگری وکلا، سروکیلی و داوری قابلیت حل شدن دارند. در رسیدگی به پرونده‌های قضایی باید مکانیسمی تعریف شود که پرونده‌هایی که جنبه مجازات عمومی اصلاحی ندارند در دادگستری تشکیل نشوند.

ابوترابی که پاسخ به سؤال کلیدی ما را به پایان گفت‌وگویش انتقال داد کمیسیون قضایی مجلس را از معدود کمیسیون‌های تخصصی دانست که اعضای آن غیر از یک نفر همه تحصیلکرده رشته حقوق، استاد دانشگاه و با تجربه قضایی و وکالت هستند.

■ قانون معتبرِ خوب

محمود حکمت‌نیا،عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز در گفت‌وگو با «جوان» بیان می‌کند: قانونگذاری یک بحث چند بعدی و چندوجهی است. به ویژه در حوزه حقوقی و قضایی. وقتی یک مسئله بیان می‌شود به جای اینکه سریع سراغ حل آن برویم ابتدا باید خوب آن را تحلیل و جنبه‌های گوناگونش را مشخص کنیم.

وی ادامه می‌دهد: مثلاً چینی‌ها در برخورد با یک مسئله به جای اینکه به پاسخ آن فکر کنند آن را تحلیل می‌کنند. بعد از اینکه جنبه‌های گوناگونش را درآوردند نهادهای مختلف را مسئول و مأمور حل هر یک از جنبه‌ها می‌کنند و در نهایت بعد از تلفیق نتایج حاصل برای مسئله پاسخ ارائه می‌دهند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی می‌افزاید: در قانونگذاری قضایی ما به صورت تجربی با یک موضوع مواجه می‌شویم و می‌خواهیم سریع به آن پاسخ دهیم. مثلاً در حالی آیین دادرسی تصویب می‌کنیم که نظریه‌های دادرسی نداریم که بخواهیم بر اساس آن ساختار و فرآیند را طراحی یا میزان درگیری طرفین دعوا و وکیل را تعیین کنیم. همه موضوعات را به صورت بسیط مطرح می‌کنیم و بعد تصورمان این است مرجعی برای حل مسائل مشخص کرده‌ایم و آخر سر دانشگاه‌ها را به جان موضوع می‌اندازیم. چطور وقتی قانونی تصویب شده انتظار داریم دانشگاه درباره آن گفت‌وگو کند؟!

در حالی که در مدل قانونگذاری قضایی ابتدا باید ایده در مجامع علمی مطرح و ابعاد آن مشخص شود و این ابعاد در یک محیط علمی و دانشگاهی کنار هم قرار بگیرد و در نهایت به عنوان طرح و لایحه به مجلس برود.

حکمت‌نیا می‌گوید: به عنوان مثال تفاوت فیلم‌های جنایی ایرانی و خارجی بسیاری از مسائل را روشن می‌کند. فیلم‌های ایرانی به دنبال حل مسئله هستند و به محض اینکه پلیس وارد شد فیلم تمام می‌شود،اما در فیلم‌های خارجی جنایت اتفاق می‌افتد و از وقتی پلیس وارد شد تازه فیلم شروع می‌شود. این عضو هیئت علمی ادامه می‌دهد: تبدیل ایده به مسئله، تحلیل و درگیری متخصصان با مسئله و در نهایت توجیه کاربران قانون یک روند منطقی برای قانونگذاری قضایی است.

وی اضافه می‌کند: یک مسئله حقوقی و قضایی می‌تواند ابعاد روانی، جامعه شناختی، اقتصادی، حقوقی و حتی زبانی داشته باشد. در حال حاضر ما هم در قانونگذاری و هم در درگیر کردن افرادی که در حل مسئله مؤثرند دچار نقص هستیم. بیشمار قانون داریم که موادشان با هم سازگار نیست، حتی می‌بینیم مواد یک قانون با هم در تعارضند.

حکمت‌نیا در پاسخ به این ابهام که «آنچه گفتید بسیار زمانبر است و مجریان معتقدند قابل انجام نیست» نیز خاطرنشان می‌کند: ممکن است برای تصویب یک قانون پنج سال زمان صرف شود ولی عمر آن ۵۰ سال گردد.

وی تأکید می‌کند: مجلس جای قانون نویسی نیست. مجلس به قوانین اعتبار می‌دهد. قانون خوب مهم است. بحث بر سر این است که کدام قانون معتبر، خوب است؟

گزارش ۲

بیژن یانچشمه

قاتل نامرئی پای میز محاکمه!

با ورود مدعی‌العموم به موضوع آلودگی هوا انتظار می‌رود سهم متهمان و شاکیان مشخص شود

بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت سالانه حدود ۲۶ هزار نفر در ایران به علت آلودگی هوا می‌میرند و ایران از این لحاظ در رتبه بیست‌وششم جهان قرار دارد. تاکنون هم اقدامات صورت گرفته برای کاهش و کنترل آلودگی هوا تقریباً بی‌نتیجه باقی مانده است. از قوه قضائیه نیز در این رابطه انتظار می‌رود با توجه به جایگاه قانونی و حقوقی در زمینه پیشگیری از آلودگی هوا بیش از گذشته و به صورت جدی‌تر وارد این عرصه شده و اضلاع مثلث پیشگیری، کنترل و کاهش آلودگی هوا را کامل کند تا از بار خسارت‌های جانی و مالی کاسته شود. البته با برطرف کردن خلأهای احتمالی قانونی و مشکلات اجرایی، ورود قوه قضائیه در چندین استان به مباحث آلودگی صورت گرفته که نباید ابتر باقی بماند.

سال‌هاست به عناوین مختلف آلایندگی و آلودگی هوا مهمان شهرها به خصوص کلانشهرها شده است و زندگی شهروندان را در حوزه‌های گوناگون از سلامت و بهداشت جسمی گرفته تا سلامت روان تحت تأثیر قرار داده است. طرح‌های جامع آلودگی هوا در سال‌های گذشته پس از یک دهه اجرا به صورت ابتر باقی مانده و خسارت‌های بسیاری به شهر و شهروندان تحمیل کرده است. در حقیقت به دلیل نبود ساز و کارهای معین و مشخص، بسیاری از اقدامات یا در مرحله اجرا یا در میان ناکارآمدی مسئولان و دستگاه‌ها به حال خود رها شده‌اند. براین اساس انتظار می‌رود با ورود جدی‌تر مدعی‌العموم به بحث آلودگی هوا حقوق مردم از دستگاه‌های متولی مطالبه شود.

خودرو سازان، مؤسسه استاندارد، وزارت نفت، شبکه‌های حمل ونقل، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت صنعت و معدن، شهرداری‌ها و بسیاری دیگر از بخش‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه به نوعی در بحث آلایندگی و آلودگی هوا دارای نقش ووظایف قانونی هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم باید جوابگوی عملکرد خود باشند.

■ ورود مدعی‌العموم به آلودگی هوا

با افزایش آلودگی هوا در سال‌های اخیر، دایره حوزه‌ها و سازمان‌های درگیر با آن نیز گسترده‌تر شد و چند سالی است که سازمان بازرسی کل کشور نیز با توجه به کم‌کاری برخی نهادهای مسئول در کنترل آلودگی هوا به این موضوع ورود کرده است. برهمین اساس بود که ناصر سراج،رئیس سازمان بازرسی کل کشور، ۳۰ دی ۹۴ نادر شکربیگی معاون نظارت و بازرسی امور تولیدی خود را مأمور پیگیری فوق‌العاده عملکرد همه دستگاه‌های اجرایی و ارگان‌های ذی‌ربط در زمینه کاهش آلودگی هوای کلانشهرها کرد.

در بخشی از متن این حکم آمده بود: به‌موجب این حکم به جنابعالی مأموریت داده می‌شود به‌طور فوق‌العاده نسبت به بررسی عملکرد تمامی دستگاه‌های اجرایی و ارگان‌های ذی‌ربط در راستای تکالیف و وظایف مقرر قانونی درخصوص کاهش آلودگی هوای کلانشهرها، با بهره‌گیری از همکاری همه مدیران و بازرسان سازمان متبوع و همچنین نظرات کارشناسان، مدیران، مسئولان، متخصصان،اساتید دانشگاه‌ها و سایر کارکنان کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و نیز منابع موثق و استماع نظرات و همچنین ملاحظه اسناد، مدارک و عنداللزوم اخذ تصویر از اسناد و مدارک مورد نیاز اقدام و نتیجه را به‌صورت مستند و مستدل گزارش کنید.

این در حالی بود که ۲۰ روز قبل از آن ناصر سراج از ارسال نامه در این زمینه به سران قوا خبر داده و گفته بود: به سران سه قوه هم درباره آلودگی هوا نامه نوشتیم و ۱۰ نهادی که در بحث آلودگی هوا مسئول هستند باید عملکردشان را در این باره به ما ارائه کنند و ما پس از بررسی این عملکردها اگر به موارد سهل انگاری برخوردیم تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد. سراج همچنین گفته بود نتایج بررسی‌های ما و قصورهای احتمالی پس از جمع‌بندی اعلام خواهد شد.

■ اعمال ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی

در همین رابطه معاون دادستان مشهد گفت: مکاتباتی با دستگاه‌های مرتبط از جمله معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد، اداره کل حفاظت محیط زیست و استانداری به عنوان بالاترین مرجع اجرایی استان در بحث آلودگی هوا داشته‌ایم. قاضی بخشی محبی، معاون دادستان مرکز خراسان رضوی با اشاره به اقدامات دستگاه قضایی مشهد در رابطه با آلودگی هوا و با تصریح به اینکه یکی از حقوق مردم داشتن هوای پاک است، به میزان گفت: مکاتباتی با دستگاه‌های مرتبط از جمله معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد، اداره کل حفاظت محیط زیست و استانداری به عنوان بالاترین مرجع اجرایی استان در بحث آلودگی هوا داشته‌ایم. وی تصریح کرد: مسلماً هر متولی وظیفه‌ای دارد و اگر به وظیفه قانونی خودش عمل نکند شامل تفسیر جزایی در قانون می‌شود.

■ سهم متهمان و شاکیان مشخص شود

به هر حال در مباحث آلایندگی و آلودگی هوا بسیاری از متهمان هم به گونه‌ای شاکی نیز هستند. دستگاه‌های بسیاری در بخش‌های مختلف آلودگی هوا مسئولیت‌های زیرساختی برای کنترل و کاهش آلودگی هوا دارند،اما به دلیل مشخص نبودن حد و حدود قانونی و نبود نظارت‌های سیستمی این دستگاه‌ها با پاسکاری و ناکارآمدی از وظایف خود طفره رفته و خود نیز به نوعی شاکی می‌شوند، این درحالی است که به دلیل کم‌کاری همین دستگاه‌ها در جایگاه متهمان باید پاسخگوی عملکرد حوزه متبوع خود باشند. در این زمینه لازم و ضروری است قوه قضائیه باب اعمال قانون را برمتخلفان گشوده و با مجازات متخلفان به این حوزه سر و سامان دهد تا مصوبات «هوای پاک» به شکل صحیح به اجرا در آید.

یادداشت

عبدالله صدقی

نگاه مردم به قضاوت و نگرش قاضی به قضاوت

ضرب‌المثلی به نقل از فرهنگ شفاهی یکی از اقوام ایرانی آمده است که «درونش وجود خودمان را سوزانده و بیرونش مردم را.» این ضرب‌المثل حال و روز قضات حال حاضر ایران است. همه می‌دانند که قضاوت منصب و جایگاهی است الهی. قضاوت متعلق به انبیا و امام زمان(عج) است که با وجود غیبت امام، این وظیفه بر دوش مرجعیت(ولی فقیه) شیعه گذاشته شده است که با قلت و کمی وجود مرجعیت با اذن ولی‌فقیه قضات مأذون نیز می‌توانند قضاوت را عهده‌دار گردند. قضاوت وظیفه‌ای سنگین است که کمتر کسی می‌تواند از عهده مسئولیت سنگین آن برآید.

قاضی شدن و به قضاوت پرداختن شرایطی دارد. در آداب القضا نقل است که قاضی باید با روحیه‌ای آرام و راحت به قضاوت بپردازد، درگیری و مشغولیت ذهنی نداشته باشد. قاضی نباید در مواقع عصبانیت قضاوت کند. نقل است که قاضی حتی هنگامی که کفش‌هایش راحت نیست، نباید قضاوت نماید. قاضی از بیت‌المال نباید حقوق بگیرد، بلکه باید از بیت‌المال ارتزاق نماید. تمامی احتیاجات قاضی باید از بیت‌المال رفع گردد.

اما نگاه از بیرون به قاضی در عصر کنونی چگونه است؟ قاضی از دریچه عموم مردم اینگونه است که مال، جان و ناموس مردم را در دست دارد. قاضی بر کرسی قضاوت تکیه می‌زند و با قدرت تام قلم فرسایی می‌کند. قاضی داوری است که تمامی مأموران به احترام او بر می‌خیزند و وی در صدر می‌نشیند و قدر می‌بیند. قاضی دارای مصونیت و جایگاه والاست. کمتر کسی است که به جایگاه قاضی خدشه وارد نماید، اما این یک سوی سکه است، روی دیگر سکه اینکه قاضی صبح اول وقت که پشت میز و اریکه قضاوت تکیه می‌زند، با انبوهی از پرونده‌ها رویاروست. قاضی قبل از اینکه ارباب رجوع و اصحاب پرونده حاضر شوند باید پرونده‌ها را مطالعه کند و مردم نیز از همان اول وقت در دفتر حاضر می‌شوند. مردم فوج‌فوج وارد می‌شوند. برخی دردمند و ستمدیده، بعضی گواهان و شهود شکات، عده‌ای متهمان و مظنونان به ارتکاب جرم هستند که در دادگاه حاضر می‌شوند. بیشتر مراجعان حال و هوای مضطرب و نگران دارند، بعضی دچار تشویشند و برخی اندوهگین و غصه دار، عده‌ای عصبی و خشمگین. قصه ارباب رجوع حکایت‌های زیادی دارد. تمامی حالات مراجعان در روح و روان اثر دارد و تشویش، خستگی و کسالت را برایش به ارمغان می‌آورد. قاضی در تمامی لحظه‌های قضاوت دوران سختی دارد، باید قضاوت نماید، به گفته‌های مراجعان خوب گوش دهد و باید گوش‌هایش را تیز نماید و در سریع‌ترین زمان گفته‌های شکات پرونده، اظهارات شهود و متهمان را بشنود و محتویات و صفحات پرونده‌ها را کاویده و سؤالات مناسب را از شاکی، متهم و گواهان بپرسد و ماوقع پرونده‌ها را تحلیل و نتیجه‌گیری کند. قاضی باید در نهایت با در نظر گرفتن وجدان و انصاف در کمترین زمان تصمیم بگیرد. وی پس از پایان وقت اداری و رسیدگی به پرونده‌ها، با تنی رنجور یا پس از مختصری استراحت، مجدداً پرونده‌ها را بکاود و بدون حضور مراجعان پرونده را دقیقاً مطالعه و سرانجام نیز در این خصوص تصمیم اتخاذ کند. برخی از قضات نیز با کوله باری از پرونده‌ها باید راهی خانه شوند، به رغم خستگی شبانه نیز در اوراق پرونده غرق شوند و آسایش خود را به کناری نهند. قاضی در طول روز استرس و اضطراب را تحمل می‌کند و شب هنگام نیز باید به ناچار درگیر پرونده شود. همچنین با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رواست. بسیاری از اموری که به مردم مباح است برای قضات حرام و ممنوع است. قضات نمی‌توانند در بسیاری از مجامع حاضر شوند. از طرف دیگر حقوق قضات کم است و بسیاری از قضات در شهرهای بزرگ مستأجر هستند. پس از سالیان سال، سرمایه قاضی کمردرد، چشمانی ضعیف، اعصابی رنجور و تنی خسته می‌شود،اما در پایان سخن باید گفت قضاوت قدرت، ارج، احترام و شأن دارد، اما مسئولیتی کمرشکن بر گرده این صاحب منصب سنگینی می‌کند. قاضی هر لحظه در معرض امتحان مابین رستگاری و هلاکت است. قاضی در مؤاخذه وجدان خود قرار دارد. قاضی با انبوه پرونده روبه‌رو است. مسئولان دستگاه قضایی هر از چندگاهی اهمیت این جولانگاه را به افکار عمومی و رسانه‌ها گوشزد می‌کنند ولی باید گفت که قضاوت سخت است و به خصوص در عصر کنونی قضات کاری به مراتب سخت‌تر بر عهده دارند و لازم است مسئولان سایر قوا، به فکر رفع مشکلات و برداشتن موانع از جلوی پای مسئولان دستگاه قضایی باشند. افکار عمومی ممکن است از زوایای سختی و صعوبت قضاوت اطلاع کافی نداشته باشند. در روز مدیریت حجم زیاد پرونده‌ها، با روح و روان قاضی چه می‌کند؟ قاضی منصف هر روز چندبار با فشار کاری مرده و زنده می‌شود تا بتواند با این حجم زیاد پرونده‌ها و در وقت کم نظر و رأی خود را اعلام نماید.

پرسش حقوقی

در دوران عقد که هنوز دختر در خانه پدرش زندگی می‌کند نفقه به او تعلق می‌گیرد؟ و اگر مشمول نفقه است، در صورتی که مرد از پرداخت نفقه خودداری کند، دادگاه چه حکمی می‌دهد؟

نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و نیز خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض که شوهر مکلف است همه آنها را متناسب با وضعیت خانوادگی و اجتماعی زن فراهم کند و در اختیار او قرار دهد. تنها در ازدواج دائم نفقه زن بر عهده شوهر است. زن هنگامی می‌تواند نفقه مطالبه کند که از شوهر خود تمکین کرده باشد. مطابق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی هم با وقوع عقد نکاح وظایف و تکالیف زوجین در برابر هم برقرار می‌گردد که یکی از تکالیف زوج دادن نفقه است مگر اینکه زوجه بدون مانع مشروع تمکین ننماید. با این شرایط نفقه قبل از عروسی هم به زن تعلق می‌گیرد و دادگاه مرد را ملزم به پرداخت نفقه خواهد کرد.

برادری دارم که چند روزی است با زور وارد خانه‌ام شده است (مجردم) و با مادرم درگیر شده و او را از خانه بیرون کرده است. الان هم شروع به بسته‌بندی مواد مخدر کرده است. برادرم سابقه زندان دارد و با گذاشتن وثیقه بیرون آمده است (مرخصی یک‌ماهه داشته). او در حال حاضر حدود دو سال است که به زندان برنگشته و هیچ مأموری هم تا حالا پیگیر کار او نبوده و با ضامن او هم کسی کاری نداشته است. هفت سال زندان داشته که فقط یک سال آن را گذرانده است. الان من اگر او را لو بدهم می‌ترسم ادعا کند مواد مخدرش مال من است، چون من صاحبخانه هستم.

با توجه به اینکه در هر حال جرمی واقع شده است و با توجه به این امر که شما نیز از ارتکاب و وقوع آن جرم اطلاع داشته‌اید، توصیه اعلام جرم یا جرائم صورت گرفته به نیروی انتظامی است. چه اینکه عدم اعلام این امر می‌تواند عواقبی قانونی برایتان در پی داشته باشد. در مورد ادعای برادرتان مبنی بر اینکه مواد مخدر متعلق به شماست، این ادعا با عنایت به سوابق ایشان، نیازمند اثبات از سوی وی است و بدون اثبات، جرمی متوجه شما نخواهد شد.

من ضامن وام یک نفر شده‌ام و او اقساط را پرداخت نمی‌کند و بانک تهدید کرده‌است چک مرا برگشت می‌زند. در چنین شرایطی وظیفه قانونی من چیست؟

با توجه به ضمانتی که انجام شده است، شخص ضامن مسئول پرداخت تمام بدهی مدیون اصلی است. البته پس از پرداخت امکان مراجعه به مدیون اصلی وجود خواهد داشت.